



## ضیاءالملک حسین بن محمد وزیر کیست؟

سید علی میرافضلی

نویسنده ناشناس شرح اخبار و اشعار و امثال تازی کتاب کیله و دمنه که در سال ۶۲۱ق در سفر کرمان بوده، در مقدمه کتاب آورده است: «در سنه احدی و عشرين و ستمائه، مرتب این کلمات را به حکم صدمات زمان سفر کرمان اتفاق افتاد. درین سفر... غنیمت انتظام در سلک دعاگویان حضرت عالیه صاحب کبیر، عالم عادل، مظفر منصور، آصف وقت، ضیاءالملک، مکرم الدوله و الدین، ملک الوزراء فی العالمین، دستور البرّ و البحر... الحسین بن محمد به حصول پیوست... و چون استسعاد بدان حضرت میسر شد... داعیه تمام در اتمام آن کار در حرکت آمد... که اکنون آن مجموعه آغاز باید نهاد و... دیباچه آن از القاب عالیه وی طراز باید کرد» (شرح اخبار و ایبات و امثال عربی کیله و دمنه (دو شرح)، تصحیح بهروز ایمانی، تهران، نشر میراث مکتوب، ۱۳۸۰ش، ص ۳۴۷) اما مصحح کتاب توفیقی در شناسایی مهدی الیه نیافته، اما احتمال داده که وی در حکومت قراختایان کرمان سمت وزارت داشته است (همان، ص ۳۳۶).

آن وزیری که مؤلف کتاب با عنوان ضیاءالملک حسین بن محمد از او نامبرده و سمت وزارت داشته، کسی نیست جز خواجه مکین الدین طالبی که براق حاجب ملقب به قتلغ سلطان (سرسلسله قراختایان کرمان) هنگامی که در سال ۶۱۹ق به حکومت کرمان رسید، او را به خدمت خود در آورد و بدو لقب ضیاءالملکی ارزانی داشت. ناصرالدین منشی در وصف او گفته است: «خواجه مکین الدین ضیاءالملک الطالبی از صدور اعیان و جمهور معتبران حضرت خوارزمشاه بود و به فرمان سلطان علاءالدین و الدین محمد، ضبط محاولات ملک مؤیدالدین زوزنی را به کرمان نامزد شده، آرایش داد. بعد از وی در وزارت کرمان هیچ وزیر در استجماع آلات وزارت و استکمال اسباب صدارت عدلی او نبود.» (سمط العلی للحضرة العلیه ناصرالدین منشی کرمانی،

به تصحیح عباس اقبال، تهران، ۱۳۲۸ش، ص ۲۴). براق حاجب کمتر از پانزده سال بر کرمان حکومت راند و در سال ۶۳۲ق درگذشت. بعد از او، برادرزاده اش قطب الدین سلطان بر مسند حکومت نشست و وی عصمت الدین قتلغ ترکان را به عقد خود درآورد (همان، ص ۲۵-۲۶). طبق گفته ناصرالدین منشی، «قطب الدین سلطان، وزارت را بر قاعده ماضی به خواجه ضیاءالملک مکین الدین مقرر داشت.» (همان، ص ۲۷). حکومت قطب الدین سلطان بیش از یک سال دوام نیاورد و رکن الدین خواجه جوق فرزند براق حاجب که در اردوی خاقان بود، چون از مرگ پدر خبر یافت، از اگتای قاآن حکم حکومت کرمان را بگرفت و عزم این دیار کرد. چون خبر این واقعه منتشر شد، ارکان حکومت او، از جمله ضیاءالدین وزیر، با سلطان از در غدر و بی وفایی در آمدند و وی بناچار کرمان را به رکن الدین سپرد و راه ماوراءالنهر در پیش گرفت (همان، ص ۲۸). رکن الدین با طوایف تاجیکان و ارباب قلم صافی نبود و ضیاءالملک وزیر را بعد از آنکه یک سال وزارت کرد، به سبب بدگمانی در بند آورد و به همراه جمعی دیگر بفرمود تا از دم تیغ گذرانیدند و پیکرشان را بر دروازه های کرمان انداختند (به سال ۶۳۴ق) (همان، ص ۲۹).

بنابراین، ضیاءالملک در دوران حکومت نسبتاً طولانی براق حاجب و دو سال از دوران حکومت قطب الدین سلطان و رکن الدین خواجه جوق، در منصب وزارت کرمان بوده و مؤلف کتاب شرح اخبار و اشعار و امثال تازی کتاب کیله و دمنه در سال ۶۲۱ق به خدمت او در آمده و دیباچه کتابش را به نام او کرده است. آنچه از کتاب این نویسنده ناشناس برمی آید، اینکه نام این وزیر حسین و نام پدرش محمد بوده و این اطلاع باارزشی است که ناصرالدین منشی بدان اشاره ای نکرده است. بنابراین، نام کامل او مکین الدین حسین بن محمد طالبی ملقب به ضیاءالملک است. تنها نکته باقی مانده آن است که نویسنده کتاب شرح اخبار و اشعار و امثال تازی کتاب کیله و دمنه یا کاتب تنها نسخه باقیمانده آن (یعنی محمد بن محمود زنگی بخاری)، لقب این وزیر را «مکرم الدین» نوشته و ناصرالدین منشی همه جا از او با عنوان «مکین الدین» یاد کرده و احتمالاً یکی از این دو لقب، تصحیف دیگری است. ■

